

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۹

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

دوره ۲۱-شماره ۸۲-زمستان ۱۴۰۳-صص: ۲۹۹-۳۱۰

تحلیل عرفانی مفهوم الست در آثار منظوم عطار

لیلا موسوی^۱

سیاوش مرادی^۲

چکیده

عالم ذر یا الست برای هر انسانی منحصر به فرد است. بدین معنا که قبل از این که کالبد جسمی او پای در این جهان نهد، به لحاظ روحانی میثاقی با پروردگار می‌بندد. عالم الست قابل رؤیت و مشاهده نمی‌باشد. حال چگونگی آن را درک کنیم، از این که آدمی ذاتاً پاک و منزّه به عالم می‌آید اما با توجه به شرایط و آزمونی که از طرف خداوند برای او رقم می‌خورد، گاهی قادر به مبارزه با نفس خاطی نیست و به چاه ذلت سقوط می‌کند. اما زمان توبه، همان بازگشت به عالم الست است. لحظه‌ای که پیام‌های الهی را دریافت می‌کند و از نو با پروردگار خویش پیمان می‌بندد. معنای الست برگرفته از آیه کریمه قرآن است، که می‌فرماید: *أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ*. در عرفان و ادبیات و متون عرفانی به این مهم بسیار پرداخته شده است. شاعران و عارفان و فلاسفه از منظر خود این موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند و همه متفق‌القول به یک نتیجه رسیده‌اند که الست همان بی‌زمانی است که در آن خداوند اراده کرد بر بنده خود نمایان کند ربانیت خویش را و اقرار بگیرد از وی بندگی در برابر حضرت احدیت. در این پژوهش سعی بر آن شده است که پس از واکاوی اجمالی درباره واژه الست و بررسی آن از دیدگاه فلسفه و عرفان، و بیان نظریه‌ها، و نگاه عطار به این مهم مورد کاوش قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: الست، عرفان، قرآن، عطار، ادبیات.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. نویسنده مسئول:

پیشگفتار

واژه الست از آیه کریمه قرآن (۷:۱۷۲) استخراج شده است. زیرا خداوند می فرماید: اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ من خدای شما نیستم؟ این زبان سؤال، زبان لفظ صوت نبود. آن افق به قدری گشوده بود، آن عالم الست بیش از این عالم ضیق. این عالم که ما در آن زندگی می کنیم مانند دهلیز است. ولی آنجا دهلیز نبود، بسی عالم لایتناهی وافق بسی گسترده بود. در آنجا به زبان بی زبانی یعنی به زبان وجود بود. زبان خانه و مظهر وجود است و به طور کامل تر اگر بخواهیم بیان کنیم زبان از آن وجود است. اگر وجود نبود، زبان نیز نبود. وجودشان گوش بود و این صدا را از مکمن غیب دریافت کردند و شنیدند. اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ بدان معنی که شما ربّ نیستید، شما پرتو من و آیات من هستید و ذات من نیستید. و در آن لحظه همه قالوا و پروردگار عرضه کرد خود و زیبایی خود را بر جهان و جهانیان. همه انسان ها بودند. با توجه به اینکه در الست (ازل) همه چیز در همان لحظه است اما در این عالم و در این زمان همه چیز وجود ندارد. در این دهلیز (عالم) همه چیز باید با ترتیب بگذرند. در یک لحظه همه انسان ها نمی توانند از آن گذر کنند و باید یکی یکی عبور کنند. زمان تدریج است و انسان در لحظه پس از لحظه می زید، اما در الست همه زمان یک جاست.

گفت الست و تو بگفتی بلی شکر بلی چیست کشیدن بلا

(مولانا، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

پیمان ازلی الست که در عالم ذرّ به همه فرزندان آدم ارائه شده، از گذشته های دور حتی قبل از اسلام مورد توجه متفکران بوده است. بعد از اسلام، مفسران، محدثان، فلاسفه و عرفا و... به آن پرداخته اند. عرفا عالم الست را مبتنی بر مشرب عرفانی خود بررسی کرده و بر اساس دریافت خود از این واقعه سخن ها گفته اند. عارفان مبانی متنوعی برای پیمان الست بر شمرده اند که اساس همه آنها حبّ و ربوبیت خداوند بوده که با مباحثی از قبیل: تجلی، شهود، مراتب نوری و استعداد های فرزندان آدم و تقدیر توضیح و تبیین شده است. همچنین برای پیمان الست سه جنبه روحانی، نفسانی و عینی معتقد بوده اند و قبول پیمان را از سوی آدمیان مبتنی بر ربوبیت، هدایت، توفیق و تلقین خداوند دانسته اند.

الست همان ازل است اما با توجه به کلمه ای که در قرآن آمده بدین جهت واژه الست به کار می رود. عهد اَلَسْتُ، به عهد و پیمانی اشاره دارد که خداوند در عالم ذرّ از همه آدمیان گرفته است. بر اساس آیات

قرآن، خداوند در یک زمان از فرزندان آدم نسبت به ربوبیت خود اقرار گرفته است. در تفسیر کشف الاسرار (۷۸۴) درباره آیه «و اذ اخذ ربك من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و اشهدهم علی انفسهم الست بریکم قالوا بلی شهدنا...» (قرآن ۷/۱۷۲) روایتی از ابی بن کعب آمده است که ترجمه آن چنین است: «خدای تعالی آن روز (روز خلقت آدم) همه آنچه را تا روز رستاخیز به هستی می‌آمد فراهم آورد، پس آنان را ارواح ساخت سپس آنان را صورت بخشید و ایشان را به سخن آورد و با ایشان سخن گفت و از آنان عهد و پیمان گرفت و آنان را بر خودشان گواه کرد و فرمود: آیا من خدای شما نیستم؟ گفتند: آری، گواه شدیم. آنگاه فرمود: تا شما در روز رستاخیز نگوئید که ما از رستاخیز ناآگاه بودیم ... بدانید که شمارا جز من خدایی نیست چیزی را به من شریک بدانید، و من رسولان خود را به سوی شما می‌فرستم تا پیمان مرا به یادتان آرند و کتابها به شما خواهم فرستاد. گفتند: گواهی می‌دهیم که تو خدای مایی و جز تو ما را خدایی نیست. در آن روز گروهی از روی طوع و گروهی از روی تقیه اقرار کردند و خدای بر این پیمان گرفت، شیخ طبرسی در ضمن بیان اقوال، قول مذکور را رد کرده، گوید: قول دوم این است که خداوند بنی‌آدم را از اصلاّب پدرانشان به ارحام مادرانشان بیرون آورد و پس از آن ایشان مراحل چند پیمودند تا آنکه بشر کامل و مکلف شدند، سپس آثار صنع خود را به آنان نمود و ایشان را به معرفت دلایل توحید راهنمایی کرد، گویی آنان را بر این امر گواه کرد و گفت: الست بریکم؟ و آنان گفتند: بلی، بنابراین معنی اشهاد در این آیه راهنمایی بشر به توحید به وسیله آفرینش خود اوست زیرا به وی خردی داد تا به وسیله آن راه یگانه پرستی را پیش گیرد. این موضوع نزد عارفان و فلاسفه جایگاه ویژه‌ای دارد.

عطار از جمله شاعران عارفی است که بسیار دقیق و موشکافانه به موضوعات عرفانی می‌پردازد. این پژوهش بر آن است که با شاهد مثال از آثار منظوم عطار، تحلیل جامعی از واژه الست و زوایای دید عطار را در این زمینه ارائه دهد. با انجام این تحقیق روشن می‌گردد که تا چه اندازه این مسئله برای عارفی چون عطار قابل تأمل بوده است و به چه میزان در آثار خود در آن تأسی جسته است.

پیشینه تحقیق

واژه الست همواره از جنبه‌های مختلف مورد توجه پژوهشگران بوده و مقالات و کتاب‌های متعددی در این زمینه به رشته‌ی تحریر درآمده است. از جمله می‌توان به مقاله مفهوم و مصداق «عالم ذر» از دیدگاه صدرالمآلهین و علامه طباطبایی نوشته علی محمد ساجدی و مریم سلیمانی اشاره کرد. موضوع اصلی این پژوهش هستی‌شناسی عالم ذر و وجودشناسی معرفت، و ذکر مبانی فکری این دو متفکر بود که از منظر ملاصدرا نفس یا روح قبل از تعلّش به بدن در عالم عقول یا عالم علم الهی از وحدت عقلی برخوردار و مصداق عالم ذر همین مرتبه از نظام هستی است. از دیدگاه علامه عالم ذر، عالم ملکوت (مثال) است. مقاله «بررسی مفهوم الست از دیدگاه عارفان (تا قرن هشتم هـ ق)» نوشته

سلطانی منظر، که این جستار با بررسی و تحلیل فرآیند شکل‌گیری مفاهیم و اندیشه‌های مختلف، از اولین مفسران تا کتاب‌های عرفانی ادب فارسی، حول مفهوم «الست» و مسائل مربوط به آن، بحث جامع و دقیقی ارائه کرده است و یا کتاب عهد الست اثر نصرالله پورجوادی که در واقع تفسیر قرآن است، نه تفسیر سنتی و قدیمی بلکه تفسیری به روش جدید که در آن تاریخ اندیشه بررسی می‌گردد.

مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن کریم و عرفان قبلائی (از منظر خصوصیت‌ها و کارکردها) نوشته حمزئیان عظیم، فدوی صبا می‌باشد که این جستار علاوه به پرداختن موضوع الست بررسی تحلیلی-تطبیقی نخستین عهد الهی در متون زرتشتی، قرآن و زوهر قبالیان می‌پردازد؛ و نشان می‌دهد اعتقاد به چنین عهدی، به اهمیت پاسخ به سه پرسش اساسی انسان درخصوص مبدأ، هدف و مقصد آفرینش بازمی‌گردد؛ و زرتشتیان، قبالیان زوهری و اکثر مسلمانان در اعتقاد به عهد ازلی و وجود پیشین ارواح، با یک دیگر هم عقیده‌اند؛ اما کارکردهای این عهد در هر آیین متفاوت است. علاوه بر این، با آن که بحث عهد ازلی پیش از اسلام نیز میان ایرانیان زرتشتی رواج داشته؛ ولی خصوصیات هر کدام با توجه به اصول اعتقادی‌شان، متفاوت بوده است؛ و نگاه اسلام در این خصوص، بر دو آیین دیگر از نظر تأکید بر عقل، اخلاق و توحید برتری دارد. با توجه به پیشینه پژوهش، روشن است که تاکنون پژوهشی درباره مفهوم و تحلیل واژه الست در آثار منظوم عطار به رشته تحریر درنیامده است.

واژه الست

تعبیر «الست» از سوره اعراف گرفته شده است: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ». (اعراف: ۱۷۲-۱۷۳) کاربرد این واژه در ترکیب‌هایی چون «عالم الست»، «روز الست» یا «بزم الست» - که شکل اخیر بیشتر در ادبیات عثمانی به کار رفته است (ابن هشام، عبدالله، ۱۹۷۲م، ج ۲: ۷۲) موجب شده تا واژه الست به صورت اسم خاص درآید و نامی باشد برای مرحله‌ای از جهان هستی که به آن عالم ذر نیز می‌گویند. هدف از عهد الست اتمام حجت خداوند با بندگان دانسته شده تا روز قیامت انسان‌ها عدم شناخت خداوند یا پیروی از دین پدران را دلیلی بر مشرک بودنشان ندانند. (طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۱ق، ج ۸: ۳۰۶-۳۰۹)

عده‌ای از مفسران دینی واقعه عاشورا میدانگاه پاسخ «قَالُوا بَلَىٰ» امام حسین (ع) به پرسش «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» می‌دانند و معتقدند که سخن در این آیه از یک رویداد است و هنگامی که پروردگار تو از بنی آدم، از نسل‌ها و پشت‌ها، از ذریه آن‌ها برگرفت و آن‌ها را بر خودشان گواه گرفت. در روایات آمده است که وقتی کاروان امام حسین (ع) به سرزمین کربلا رسید، امام پرسید اینجا کجاست؟ گفتند به

اینجا نینوا می‌گویند، کربلا هم به آن می‌گویند. سپس امام فرمود: اعوذ بالله من کرب و بلا. آنچه که قرار بود به آزمون گذاشته‌شود، اولاً آگاهی و سپس ایمان امام (ع) بود، و آنچه که باعث شد امام حسین (ع) سربلند بیرون بیاید؛ نخست آگاهی و دیگری ایمان ژرف قاطع تزلزل‌ناپذیر او بود. آن ایمان و آگاهی را کجا می‌توانیم در حسین بن علی (ع) سراغ بگیریم؟ آنجا که امام حسین (ع) را بتوانیم در عرفه بشناسیم. هرچه در عرفه دعاست و امام حسین (ع) خواسته، در کربلا اجابت شد.

ندای «الست بریکم» با قوت و با گوش جان در عرصه هستی شنیده‌می‌شود، عاشورا صلاهی بازگشت و کوشش و جهادی عاشقانه و شادمانه است. یکی از روایان نقل می‌کند به چهره اباعبدالله (ع) نگاه می‌کردم و هرچه به ظهر عاشورا نزدیک می‌شدیم، چهره او شادابتر می‌شد. لذا، عاشورا میدانگاه پاسخ «قالوا بلی» امام حسین (ع) به پرسش «الست بریکم» است.

عهد الست از یک سو بحثی است مربوط به علوم قرآن و حدیث و از سوی دیگر در عرفان و کلام نیز جایگاهی ویژه دارد و هریک از صاحبان نظر به تناسب گرایشی که داشته‌اند، درباره آن تحلیلی ارائه کرده‌اند. عالمان مسلمان در مورد عالم ذر و عهد الست، مسائل و ابهامات زیادی مطرح کرده و کوشیده‌اند با ارائه تفاسیری، از حجم ابهامات این آیه بکاهند اما در نهایت این تفاسیر به نتیجه روشنی نرسیده‌است و به هیچ‌وجه قابل‌سازش با یکدیگر نیستند. شاید به همین جهت بوده که محمدباقر مجلسی تصریح می‌کند: «عقل انسان‌های زیادی از حل این مسأله درمانده‌است.» (مجلسی، مرآة العقول، ج ۷، ص ۳۷-۳۸). و «بهتر آن است که اندیشیدن در مورد چنین مسائلی را رها کنیم، چراکه چندان پیچیده است که عقل‌های ما از دریافت‌کنه آن ناتوان است.» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۶۱) در میان متکلمان و مفسران چندگونه تفسیر درباره عالم ذر وجود دارد.

تفسیر سنت‌گرایان این است که جایگاه این پیمان پیش از آفرینش دنیوی انسان‌ها و در عالم ذر بوده‌است. این تفسیر، هم در منابع اهل سنت و هم در منابع شیعه وجود دارد و از سوی کسانی مطرح شده‌است که در فضای فکری آنان گرایش‌های سنتی و اخباری‌گری حاکم بوده‌است. نقطه مشترک این دو نگاه و روایت‌هایی که در منابع این دو وجود دارد، پیوند میان سرنوشت و تقدیر انسان‌ها با این میثاق است.

بر اساس ظاهر تمامی این روایات، همه رخدادها از آغاز مشخص شده و قلم تقدیر جزئیات حوادث را از قبل نگاشته است و سرنوشت انسان‌ها بر اساس آن مشخص شده‌است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۶۱) همه افراد انسانی در یک مسیر گریزناپذیر و غیرقابل‌تغییر گام‌برمی‌دارند. اگر بخواهیم این مطلب را از زوایای مختلف به‌طور اجمالی واکاوی کنیم باید بگوییم که بر اساس سنت گرایان اهل‌تسنن پس از آنکه حضرت آدم از بهشت هبوط کرد و بر زمین آمد، خداوند او را در نزدیکی عرفه در مکه یا دجنی ساکن کرد. آنگاه خدا ذریه او، یعنی همه افراد انسانی که تا روز قیامت از نسل او به وجود خواهند آمد را از حضرت آدم بیرون کشید. سپس همه آنان را به دو گروه تقسیم کرد، خوبان

را در دست راست و بدان را در دست دیگر قرارداد. سپس درباره گروه نخست گفت که اینان را برای بهشت آفریدم و اینان در دنیا همانند بهشتیان عمل خواهند کرد، و درباره اهل جهنم نیز حکمی برای آنان جاری ساخت. سپس از تمامی آنان پیمانی گرفت، پیمانی که معنا و حقیقت آن، ایمان و معرفت و تصدیق ربوبیت خدا بود. آنگاه همگی دیدند که همه رویدادها تا روز قیامت را قلم تقدیر الهی نوشت. بدین سان اموری که محقق می‌شوند و اجل‌ها، روزی‌ها و مصیبت‌ها همه معین گردید. سپس خداوند ذریه آدم را به پشت او بازگرداند. در این تفسیر، مسأله فطرت بر همین پیمان منطبق شده است. (کلینی، محمد، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۲)

اما در تفسیری که در منابع حدیثی شیعی درباره عالم ذر و عهد الست آمده، بیان شده است که خداوند خاک اهل گناه و دوزخیان را با آبی تلخ و شور، و خاک اهل بهشت را با آبی شیرین عجنین - کرد. سپس از آن گل، انسان‌هایی شبیه مورچه آفرید و از آنان به ربوبیت خود و نبوت محمد (ص) و ولایت علی (ع) و اوصیاء او تا حضرت مهدی (ع) اقرار گرفت.

نخستین کسی که در عالم ذر ایمان آورد، حضرت محمد بود. در برخی از روایات سخن از آفرینش روح‌ها پیش از آفرینش بدن آن‌ها و نیز گرفتن میثاق از ارواح به میان آمده است. همچنین در برخی روایات به سرنوشت و تقدیر از پیش تعیین شده اشاره شده است. (علامه مجلسی، ۱۳۹۱، ج ۵، ۲۲۶: ۲۳۴-۲۳۵) نگاه سنت‌گرایانه عرفانی این نگاه به مسئله پیمان الست در دستگاه عرفانی ابن عربی با عنوان «سر القدر» نمایان شده است که به عقیده وی، از بارزترین دانش‌هاست که تنها کسانی نسبت به آن آگاه می‌شوند که خداوند بخواهد. (قیصری، ۱۳۶۳: ۳۰۲)

در تفسیر عقل‌گرایانه، بیشتر از اینکه توجه به ظاهر احادیث و قبول آن‌ها باشد، پیروی از عقل و استدلال به چشم می‌خورد. این گروه از مفسران چندین نکته درباره تفسیر سنتی از این آیه بیان کرده‌اند: اول اینکه متن آیه گویای این است که خداوند ذریه آدمیان را از پشت‌های فرزندان آدم گرفت، نه از پشت خود آدم. در حالی که، در تفسیرهای سنتی، ذریه آدمیان تنها از پشت حضرت آدم گرفته شده است. دوم اینکه در آیه از قول فرزندان آمده است که گفته‌اند: «همانا پیش از ما پدرانمان مشرک بودند...»، و چنین نسبتی سزاوار حضرت آدم و همگی فرزندان او نیست. (طباطبایی، ۱۳۴۹، ج ۸: ۳۱۶-۳۱۸)

بنابراین، خلاصه دیدگاه عقل‌گرایانه این است که این پیمان در همین دنیا گرفته شده است و مراد از پیمان نیز فطرتی است که در نهاد تمام انسان‌ها نهاده شده است. طباطبایی با تفسیری جدید از این آیه معتقد است اینکه انسان در سیر به سوی خداوند و بازگشتش به جانب او، در جهان‌هایی که از لحاظ نظام و احکام با عالم دنیا متفاوتند وجود داشته باشد، امر محالی نیست، همان‌طور که اشیاء در دو نشئه و ظرف وجودی تحقق دارد. نزد خداوند وجودی بی‌حد و بی‌اندازه دارد و زمانی که به دنیا می‌آیند، دارای اندازه می‌شود: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ». (حجر: ۲۱) به همین

صورت، عالم انسانی با همه وسعتش، وجودی پیشین نزد خدا در گنجینه های او دارد که خدا آن را به این نشأه تنزل می دهد. (طباطبایی، ۱۳۴۹: ج ۸، ۳۱۸-۳۲۱).

جایگاه الست در ادبیات فارسی

حکمت پیمان گرفتن خداوند از انسان ها را اتمام حجت بر آنان دانسته اند تا در روز قیامت برای شرک ورزیدن به خدا، عدم آگاهی خود نسبت به خداوند را عذر و بهانه قرار ندهند. خداوند در روز الست شراب جمال و کلامش را به ارواح آدمیان نوشاند و آنان را در مستی و وجد حاصل از این شراب بی آنکه به عاقبت کار بیندیشند، به پرستش خداوند پاسخ بلی را گفتند و از این طریق ندانسته مسئولیت عظیمی را به گردن گرفتند و آنگاه حادثه تبعید آدم از بهشت به جهان مادی و محسوس و گرفتاری و درد و مشکلات فراق پیش آمد، گرفتاری ها و مشکلاتی که البته خدا از پیش می دانست. (پورنامداریان، تقی، ۱۳۷۲: ۴۵)

خواجه عبدالله انصاری در تفسیر ادبی عرفانی قرآن کریم واژه الست را در آیه ۱۷۲ سوره اعراف به دو صورت لفظی و عرفانی تفسیر می کند: اشارت است به بدایت احوال دوستان، و بستن پیمان و عهد دوستی با ایشان، روز اول در عهد ازل که حق حاضر و حقیقت حاصل بود. چه خوش روزی که روز بنیاد دوستی است، چه عزیز وقتی که وقت گرفتن پیمان دوستی است، مریدان هرگز روز ازل را فراموش نکنند، مشتاقان هنگام وصال دوست را تاج عمر و قبله روزگار دانند... مصطفی را فرمان رسید که بندگان ما را (که عهد فراموش کردند و به غیر مشغول گشتند) به یاد آر آن روزی که روح پاک ایشان با ما عهد دوستی می بست، و دیده اشتیاق ایشان را این توتیا می کشیدیم که آلت برکتکم، بگو: ای مسکین، یاد کن آن روز را که ارواح و اشخاص دوستان در مجلس انس از جام محبت شراب عشق ما را می آشامیدند! و مقربان ملاءاعلی می گفتند: چه عالی همت که قوم ایشانند! ما باری از این شراب نه چشیده ایم و نه شمه ای یافته ایم. (انصاری، عبدالله، ۱۳۸۶: ۳۶۰) به نظر می رسد که این پیمان لامکان و لازمان بین روح آدمی و حضرت حق بسته شده است.

سور آبادی بعد از ذکر این نکته که فایده آن میثاق الزام محبت است تا بدین وسیله از آن عهد و پیمان غافل نباشیم، بیان می کند که: «تا خلق بدانند هر که در این دنیا کفر آرد ناقض عهد است که از ایمان میثاق برگشت» (سورآبادی، ۱۳۸۱: ۸۳۱)

حافظ نیز از شاعران عارفی است که به این مهم بسیار در غزلیات خود پرداخته است و معتقد است که نمی توان به خدا رسید مگر پذیرفتن این پیمان و این راه پر مشقت:

مقام عیش میسر نمی شود بی رنج بلی به حکم بلا بسته اند عهد الست

(حافظ، ۱۳۷۸: ۱۷)

در بعضی غزلیات حافظ و عطار واژه دوش مفهوم الست را دارد. در آن زمان شراب عاشقی و بندگی را به او چشاندند و وی از این شراب مست شده است و ادعای عاشق شدن دارد و افتخار می کند که هر کسی نزد خداوند به درجه عاشقی نایل شود از این کهنه شراب در همان روز الست به او می دهند.

نرگش عربده جوی و لبش افسوس کنان نیم شب دوش به بالین من آمد بنشست

سر فراگوش من آورد به آواز حزین گفت ای عاشق دیرینه من خوابت
هست

عاشقی را که چنین باده شبگیر دهند کافر عشق بود گر نشود باده پرست

برو ای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر که ندادند جز این تحفه به ما روز الست

آن چه او ریخت به پیمانه ما نوشیدیم اگر از خمر بهشت است و گر باده مست

(حافظ، ۱۳۷۸: ۱۸)

برای حافظ وصال به معشوق اهمیت دارد که هر چند راهی است پرمخاطره و تلاشی که برای رسیدن به او می کند نه برای رسیدن به بهشت است و نه از بیم جهنم.

سر ز مستی برنگیرد تا به صبح روز حشر

هر که چون من در ازل یک جرعه خورد از جام دوست

(حافظ، ۱۳۷۸: ۵۱)

و شادی بی سبب و جاودانه ای که حافظ از آن یاد می کند بدان جهت است که می باقی را از دست معشوق در روز الست گرفته است.

خرم دل آن که همچو حافظ جامی ز می الست گیرد

(حافظ، ۱۳۷۸: ۱۱۴)

شیخ بهایی نیز از جمله شاعرانی است که اکثراً اشعار او جنبه وعظ و پند و حکمت دارد و همواره کوشیده است که انسان را از انجام امور رذیله بازدارد. واژه الست از جمله واژگانی است که در آثار و اشعار وی به صورت معدود اما به زیبایی به کار رفته است و در هریک از ابیات به تعبیر گوناگونی می توان رسید.

انها که ریوده الستند از عهد الست باز مستند

تا شربت بیخودی چشیدند از بیم و امید باز رستند

چالاک شدند پس به یک گام از جوی حدود باز جستند

(شیخ بهایی،)

یا اگر در دو بیتی های باباطاهر به موضوع توجه شود، می بینیم او نیز زیرکانه به این مهم پرداخته-
است. منظور از قالوا بلی، در دوبیتی ذیل همان اشاره به روز الست دارد:

مو از قالوا بلی تشویش دیرم گنه از برگ و باران بیش دیرم

اگر لاتقنطوا دستم نگیرد مو از یاوئلنا اندیش دیرم

عطار در دیوان اشعار (غزلیات) خود واژه الست را یازده بار، در منطق الطیر هشت، الهی نامه دو، اسرارنامه یک و مصیبت نامه چهار بار به کار برده است. همان طور که در اشاره شد در برخی از غزلیات عطار واژه «دوش» به معنای الست به کار رفته است:

دوش کان شمع نیکوان برخاست ناله از پیر و از جوان برخاست

گل سرخ رخسار چو عکس انداخت جوش آتش ز ارغوان برخاست

افتابی که خواجه تاش مه است به غلامیش مدح خوان برخاست

(عطار، ۱۳۷۹: ۱۵۹)

از ابیات بالا چنین دریافت می شود که در روز الست وقتی خداوند یک گوشه از زیبایی خود را عرضه کرد، آدمی تحمل این چنین جمال و زیبایی را نداشت. عطار در یکی دیگر از غزلیات خود به این مسأله اشاره دارد که هرکس از دست ساقی (خدا) شراب الست را بنوشد جاودانه خواهد بود:

تو گرچه زنده ای امروز لیک در گوری چو تن به گور فرورفت جان ز گور پرست

چو جان بمرد از این زندگانی ناخوش ز خود برید و میان خوشی به حق پیوست

میان جشن بقا کرد نوش نوشش باد ز دست ساقی جان ساغر شراب الست

مشتری را خرقه از سر برکشیم زهره را تا حشر گردانیم مست

پس چو عطار از جهت بیرون شویم بی جهت در رقص آییم از الست

(عطار، ۱۳۷۹: ۱۶۳)

در منطق الطیر در داستان مرغان، وی انسان را برحذر می‌دارد از اعمال نکوهیده بعد از گفتن «بلی» در روز الست و پیمان بستن الهی. و بر این باور است که چون ندای عشق شنیدی باید از هواهای نفسانی بیزاری جوئی و دوری‌گزینی:

خه‌خه! ای دراج معراج الست دیده بر فرق بلی تاج الست
چون الست عشق بشنیدی به جان از بلی نفس بیزاری ستان
چون بلی نفس گرداب بلاست کی شود کار تو در گرداب راست
(عطار، ۱۳۸۴: ۲۶۰)

اما در جایی دیگر می‌بینیم که عطار، کردار آدمی را خارج از اختیار و آن را به دست تقدیر و جبر می‌سپارد. او معتقد است که با وجود انجام این اعمال نباید دم از لاف مستی و شراب الست را زد:

اکنون که مرا کار شد از دست، چه تدبیر تقدیر چنین بود و قضا نیست به دستم
عطار درین راه قدم زن چه زنی دم تا چند زنی لاف که من مست الستم
(عطار، ۱۳۷۹: ۴۲۳)

در اسرارنامه می‌گوید زمانی که عهد و پیمان میان پروردگار و تو بسته می‌شود زندگی تو از آن لحظه آغاز می‌شود:

حیات ای دوست تو بر تو فتادست بهر تویی درون نوعی نهادست
الست انگه که بشنودی که بودی نبودی بود بودن کان شنودی
(عطار، ۱۳۸۴: ۴۰)

نتیجه‌گیری:

با واکاوی‌هایی که در آثار منظوم عطار به عمل آمد، به این نتیجه می‌رسیم که واژه الست در نزد عطار همانند دیگر شاعران از اهمیت بالایی برخوردار است. او همچون مولاناف حافظ و دیگر شاعران در آثار خود به زیبایی به تعبیر گوناگون از واژه الست بهره‌جسته است. همان‌گونه که اشاره شد این کلمه در آثار منظوم عطار با معانی مختلفی به کار رفته است. گاهی در لفافه بیان شده است و یا با توجه به معانی ابیات قبل و بعد آن می‌توان به مفهوم آن دست یافت. عطار معتقد است در روز الست عهدی که میان پروردگار و انسان بسته شد بار امانتی بود که از طرف خدا به او عطا گردید. وی بر این باور است که انسان باید به این عهد وفادار باشد و خود را از انجام اعمالی که شأن او را به زیر سؤال می‌برد برحذر دارد.

منابع و مأخذ

- (۱) قرآن کریم
- (۲) انصاری، خواجه عبدالله، ۱۳۸۶، تفسیر ادبی عرفانی قرآن مجید بفارسی، نگارش حبیب الله آموزگار، چاپ بیستم، تهران، اقبال.
- (۳) آریان، حسین، ۱۳۸۵، دیوانگی و دیوانه‌نمایی در ادبیات عرفانی، دوره ۳، شماره ۹، فصلنامه عرفان اسلامی.
- (۴) پورنامداریان، تقی، ۱۳۸۳، رمز و داستانهای رمزی، چاپ ۵، تهران، علمی فرهنگی.
- (۵) حافظ، شمس‌الدین محمد، ۱۳۷۸، دیوان اشعار، چاپ اول، انتشارات پر.
- (۶) سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور، ۱۴۰۴، ق، م، ناشر مکتبه آیت الله المرعشی النجفی (ره)
- (۷) سوراآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۱، تفسیر سوراآبادی، (تفسیر التفاسیر) تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی، ج ۵، تهران، فرهنگ نشر نو.
- (۸) شیخ بهایی، ۱۳۶۳، دیوان اشعار، مصحح: سعید نفیسی، چاپ اول، ناشر چکامه.
- (۹) _____، ۱۳۸۴، منطق الطیر (مقامات طیور) با مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، ویرایش دوم، تهران، سخن.
- (۱۰) _____، ۱۳۸۶، مصیبت نامه، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، ویرایش اول، تهران، سخن.
- (۱۱) _____، ۱۳۸۸، الهی نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ چهارم، تهران، سخن.
- (۱۲) _____، ۱۳۸۷، دیوان عطار، انتشارات خانه فرهنگ.
- (۱۳) _____، ۱۳۷۹، دیوان عطار، بذیع الزمان فروزانفر، چاپ سوم، تهران، انتشارات نگاه.
- (۱۴) طباطبایی، محمد حسین، میزان، بیروت، ۱۳۴۹.
- (۱۵) قیصری، داوود، شرح فصوص الحکم، چ تصویری، قم، ۱۳۶۳ ش.
- (۱۶) کلینی، محمد، ۱۳۸۸، اق، الاصول من الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران.
- (۱۷) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۳۹۱، مرآة العقول، چاپ چهارم، تهران، ناشر دارالکتب اسلامی.
- (۱۸) _____، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت، ناشر دارالکتب اسلامی.

Received: 2023/1/29
Accepted: 2023/4/18
Vol.21/No.82/Winter2025

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
(Erfan.eslami.zanjan@gmail.com)
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Mystical Analysis of the Concept of “Alast” in Attar's Poems

Leila Musavi¹, Siavash Moradi^{2}*

PhD student, Persian Language and Literature, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran.

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran. *Corresponding Author, Siavash.moradi@iauh.ac.ir

Abstract

For every human the world of Zar’ is a matter of individuality. This means that before his physical body enters this world, he seems to enter into a covenant with God. The universe is not visible and observable. How we could understand it, that a person comes to the universe pure and inherently pure, but according to the conditions and tests that are determined for him by God, sometimes he is able to fight against the soul. He is not a sinner and he falls into the well of humiliation. But the time of repentance is the return to the world of God, the moment when he receives the divine messages and makes a new covenant with his Lord. The meaning of Alast is taken from the Qur'anic verse. This issue has been discussed alot in mysticism, literature and mystical texts. Poets, mystics, and philosophers have studied this issue from their own perspective, and all have unanimously come to the conclusion that this is the timeless time in which God willed to reveal His servant to Himself, to confess His Lordship, and to serve Him. In this research, an attempt has been made to make a brief analysis of the word “Alast” and examine it from the perspective of philosophy and mysticism, the expression of theories, and Attar's view on this important issue

Keywords: Alast, mysticism, Quran, Attar ,Literature.